

ماده ۴۶ ق.م.ع.
مجوز تبدیل مجازات است، نه تخفیف آن
و
مشمول قانون تعلیق سال ۴۶ هم نمی‌شود

بِذاتِ اللَّهِ قَانِعٌ

قاضی دادگستری

بطوریکه خوانندگان محترم استحضار دارند، در فصل نهم از باب اول قانون مجازات عمومی راجع به تخفیف و تعلیق و اسقاط و تبدیل مجازاتها مقرراتی در مواد ۴۳ تا ۵۳ وضع گردیده که موضوع بحث اینجانب فقط مقررات ماده ۴۶ می‌باشد.

ماده ۴۶ ق.م.ع. ناظر بتجویز تبدیل مجازاتهای حبس با اعمال شاقه و اعدام - در این بحث فرض ما این است که حکم راجع بقتل عمدی نباشد - درباره زنان و مردان بیش از شصت سال است. سیاق و عبارت ماده هم بهیچوجه ظهور در این ندارد که هر جرمی در قانون مجازات عمومی جزای آن حبس با اعمال شاقه می‌باشد، در مورد زنان و مردان بیش از شصت سال حبس مجرد خواهد بود و حال آنکه در موارد مختلف از این ماده چنین تعبیری شده که مجازاتهای حبس با اعمال شاقه و اعدام را اصولاً درباره این دو دسته حبس

مجرد تلقی کرده اند. کما اینکه رویه های تمیزی زیادی هست (۱) که تخفیف در باره آنرا تا حبس تأدیبی کمتر از دو سال جایز دانسته است. ولکن با توجه بسیاق عبارت ماده بعقیده اینجانب وضع ماده مزبور بمنظور تبدیل مجازات است نه تعیین یا تخفیف مجازات. مؤید این نظر مقررات بند ۴ ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که اینک عین ماده ۴۶ و بند ۴ ماده ۴۸۴ قانون مزبور را اینجا نقل می کنیم تا مد نظر خوانندگان عزیز باشد :

ماده ۴۶ : « در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی شود و مجازات آنها بحبس مجرد تبدیل خواهد شد ، مگر آنکه حکم برای ارتکاب بقتل عمدی صادر شود. »
 قسمت اول ماده می گوید : « در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً بموقع اجرا گذاشته نمی شود. » و بند ۴ چنین می گوید : « در موارد لزوم تبدیل مجازاتی بمجازات دیگر که مطابقت داشته باشد ، در اینصورت اجرای مجازات اولی تا امر تبدیل بعمل نیامده است ، بتعویق می افتد. »

بطوریکه خوانندگان معظم ملاحظه می فرمایند ، ماده ۴۶ می گوید ، « حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی شود » ، و نگفته است ، صادر نمی شود. بلافاصله هم در مقابل این منع اجرا تعیین تکلیف نموده می گوید : « مجازات آنها بحبس مجرد تبدیل خواهد شد » که اگر این ماده تا اینجا صحیح تعبیر شود ، یعنی لزوم تبدیل افاده گردد ، جای بحثی باقی نمی ماند و تعیین لزوم تبدیل در بند ۴ ماده ۴۸۴ و طریق آن از طرف قانونگذار مقرر گردیده است و دادگاهها باید این تبدیل را بر وفق مقررات ۴۸۴ بعمل بیاورند ، یعنی پس از صدور حکم و قطعیت یافتن و لازم الاجرا گردیدن آن دادسرای استان طبق مقررات ماده ۴۶ که تبدیل مجازاتهای مقرر در این ماده را بحبس مجرد لازم دانسته ، بر طبق دستور بند ۴ از ماده ۴۸۴ این تبدیل را که مجوز آن در خود ماده ۴۶ ذکر گردیده ، از دادگاهها بخواهند و دادگاهها هم باید بر وفق مقررات این

(۱) از جمله احکام شماره $\frac{۹۶۵}{۲۸/۶/۱۴}$ ، $\frac{۱۲۹}{۲۰/۶/۳۱}$ ، $\frac{۲۷۴۶}{۱۵/۱۲/۹}$

و $\frac{۲۲۳}{۲۰/۷/۲۹}$

دو ماده عمل نمایند. در صورتی که اگر دادگاهها رأساً این تبدیل را بنمایند، صحیح نیست، زیرا تخفیف در مجازاتها بر دو نوع است: تخفیف قانونی و قضایی. **اولی تخفیفاتی است که خود قانونگذار قایل گردیده، مانند تخفیف مذکور در ماده ۱۷۹ که قانونگذار درباره پدر و برادر که دختر و خواهر خود را بوصف مذکور در ماده ۱۷۹ ببینند و بقتل برسانند، مجازات آنها را از اعدام به يك تا ششماه حبس تأدیبی تخفیف داده است.** و همچنین در ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ که مجازات قتل عمدی مذکور در این دو ماده را بحبس تأدیبی از يك تا سه سال تخفیف داده است و موارد دیگر. و حال آنکه قانونگذار در ماده ۴۶ بهیچوجه در مقام تخفیف قانونی نبوده که تصور شود، کلیه مجازاتهای حبس با اعمال شاقه و اعدام در مورد زنان و مردان بیش از شصت سال حبس مجرد است و اگر قانونگذار نظر بچنین تخفیفی داشت، لازم می آمد که حکمی نظیر ماده ۳۶ قانون می نمود، یعنی همان **تخفیف قانونی** را که در ماده ۳۶ نسبت باطفال قایل گردیده بود، درباره این دو طبقه هم مقرر می داشت و فقط مجازات آنها را حبس مجرد تعیین می نمود. در صورتیکه بعقیده بنده ماده ۴۶ منحصر آ ناظر بعدم اجرای حبس با اعمال شاقه و اعدام درباره این دو طبقه می باشد و دادگاهها نیز باید طبق اصول کلی و طبق مقررات هر ماده عمل نمایند و هیچ منعی هم برای اعمال **تخفیف قضایی** وجود ندارد. مثلاً در مورد مرد بیش از شصت سال و یا زنی که معامله معارض کرده باشند، دادگاه طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت می تواند با اعمال ماده ۴۴ مجازات را تا دو سال حبس تأدیبی تخفیف دهد. در این صورت اساساً اجرای حبس با اعمال شاقه پیش نمی آید که ماده ۴۶ مورد عمل پیدا نماید، زیرا همانطور که در بالا استدلال شد، ماده ۴۶ مجوز تبدیل مجازاتهای حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام بحبس مجرد است، نه اینکه مقررات این ماده شبیه ماده ۴۴ و ۴۵ مکرر و یا نظیر ماده ۱۷۹ و ۱۹۱ باشد که دادگاهها ابتدا از ماده ۴۶ استفاده نمایند و چنین استدلال کنند که مجازات اعدام طبق ماده ۴۶ اساساً حبس مجرد است و سپس چنین نتیجه بگیرند که دادگاهها طبق ماده ۴۴ می توانند حبس

مجرد را تا شش ماه حبس تأدیبی تخفیف دهند و سرانجام برای متهم بقتل یا متهم بجرایمی که مجازات آنها حبس موبد و یا موقت با اعمال شاقه باشد، شش ماه حبس تأدیبی تعیین کنند. حال آنکه بعقیده بنده در صورتی که زن و یا مرد متهم مستوجب کیفر اعدام باشند، دادگاه می تواند بدون اعمال تخفیف حکم اعدام بدهد و یا با اعمال ماده ۴۴ بحبس با اعمال شاقه تا سه سال تخفیف بدهد. بدیهی است، در هر دو مورد طبق ماده ۴۶ هنگام اجرای مجازات مقرر خواه اعدام باشد و یا تا سه سال حبس موقت با اعمال شاقه تخفیف یافته باشد، تبدیل بحبس مجرد خواهد شد و از مجرد هم پایین تر نخواهد آمد؛ چه هنگام تبدیل دیگر موضوع اعمال ماده ۴۴ و غیره بمیان نخواهد آمد و خود ماده ۴۶ فقط تبدیل را بحبس مجرد تجویز نموده است.

در اینجا بی مورد نمی دانم که مثلی ذکر نمایم که روشن گردد، بعضی اوقات هم عمل دادگاه که رأساً ماده ۴۶ را رعایت نماید، بضرر متهم تمام خواهد شد و بخوبی روشن می نماید که ماده ۴۶ مجوز تبدیل است، نه تعیین مجازات قانونی. مثلاً فرض کنیم که مرد شصت ساله ای تعدد بزه داشته باشد و طبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی و ماده ۲۰۲ و یا ماده ۲۳۶ قانون مجازات عمومی و یا سایر موارد که حداقل مجازات حبس مجرد در ماده مربوط پیش از دو سال تعیین شده باشد، تحت تعقیب قرار بگیرد. اگر دادگاه رأساً از ماده ۴۶ استفاده نماید و چنان تعبیری که بعقیده بنده صحیح نیست، بنماید، بدیهی است چون متهم تعدد بزه دارد، در مورد ماده ۲۰۲ و یا ۲۳۶ با اعمال ماده ۴۵ مکرر سه سال حبس مجرد تعیین خواهد شد و در مورد ماده ۱۷۵ مکرر هم که دادگاه ابتدا با ماده ۴۶ بحبس مجرد رسانده، طبق ماده ۴۵ مکرر به دو سال حبس مجرد خواهد رسید و در نتیجه مجازات تخفیف یافته چنین متهمی با رعایت ماده ۴۶ و ۴۵ مکرر و ماده ۲ ملحقه بهیچوجه از سه سال حبس مجرد کمتر نخواهد بود، زیرا طبق ماده ۲ ملحقه جرم اشد قابل اجرا خواهد بود. در صورتی که اگر دادگاه طبق اصول کلی رفتار نماید، مجازات چنین متهمی طبق

ماده ۱۷۵ مکرر و ۲۳۶ و ماده ۲ ملحقه و رعایت ماده ۴۵ مکرر دو فقره یکی سه سال حبس با اعمال شاقه و دیگری سه سال حبس مجرد خواهد بود - فرض اینست که نهایت تخفیف داده شود - . بدیهی است مجازات قانونی لازم الاجرا همان سه سال حبس با اعمال شاقه خواهد بود و هنگام اجرا دادسرا مکلف است بلزوم تبدیل مقرر در ماده ۴۶ توجه کند و ازدادگاه تقاضا کند که سه سال حبس با اعمال شاقه تبدیل شود و در اینجاست که ممکن است دادگاه بدو سال حبس مجرد تبدیل نماید . بنابر این ملاحظه می فرمایید که تعبیر ماده بنحوی که ظهور دارد، بنفع چنین متهمی نیز خواهد بود . بعلاوه در قانون جزا نباید در جایی که تفسیر مضیق و موسع هست ، مجریان قانون تفسیر مضیق را انتخاب کنند و بعقیده اینجانب اگر ماده ۴۶ را همانطور که ظهور دارد ، ناظر بمنع اجرای حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام در باره این دو طبقه بدانیم ، شامل مردان کمتر از شصت سال هم می شود که حکم حبس با اعمال شاقه و یا اعدام مثلاً در ۵۹ سالگی در باره آنان صادر شده باشد و بعلت طی مرحله تمیزی و یا بهر جهت تا ورود آنان بسن شصت سال تمام اجرا نشده باشد که در این گونه موارد نیز بر طبق نص صریح ماده ۴۶ نباید در باره آنان اجرا شود و دادسرا مکلف است تقاضای تبدیل آنرا از دادگاه بنماید . همین طور اگر حبس موبد با اعمال شاقه در باره کسی صادر شده و در حال اجرا باشد، همین که وارد شصت و یکمین سال زندگی خودش ، دادسرای استان باید از اجرای آن خودداری و تقاضای تبدیل آنرا بنماید که بهر تقدیر تصور شود ، مجازات تبدیل شده بیش از ده سال حبس مجرد نخواهد بود و چنین محکومی در هفتاد سالگی مسلماً باید آزاد شود ؛ همچنین اگر متهمی به ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده باشد و حکم قبل از شصت سالگی و بعد از ۵۰ سالگی بموقع اجرا گذارده شده باشد ، محققاً از ماده ۴۶ بهره مند خواهد شد ، زیرا مفهوم و منظوق ماده دلالت بر لازم التبدیل بودن مجازات دارد و بهر حال زمان اجرا مناط اعتبار است، نه زمان صدور حکم .

نتیجه دیگری که از این بحث حاصل می‌شود، اینست که آیا موضوعات مشمول ماده ۴۶ قابل تعلیق هست یا خیر، زیرا قانون تعلیق اجرای مجازات سال ۱۳۴۶ جرایمی که مجازات قانونی آنها حبس با اعمال شاقه است، قابل تعلیق ندانسته. بنابراین اگر مجازات قانونی مرد بیش از شصت سال که معامله معارض انجام داده و مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت می‌باشد، قابل تعلیق باشد، نتیجه این می‌شود که مجازات قانونی این دو طبقه در مورد اعدام و حبس موبد با اعمال شاقه و حبس موقت با اعمال شاقه فقط حبس مجرد خواهد بود. در صورتی که بعقیده اینجانب قانونگذار در ماده ۴۶ بهیچوجه در مجازات قانونی جرایم تغییری نداده است و مجازات هر جرمی همانست که در قانون مجازات عمومی مصرح است و در مورد مردان بیش از شصت سال و زنان هر آینه ماده ۴۴ اعمال مجازات حبس با اعمال شاقه آنان به حبس مجرد تبدیل شود و یا به دو سال حبس تأدیبی برسد، هیچ خلاف قانونی نشده. البته اگر مجازات اعدام باشد، بدیهی است با اعمال ماده ۴۴ پایین تر از حبس با اعمال شاقه نخواهد آمد و هنگام اجرا ماده ۴۶ مورد عمل پیدا می‌نماید و دادگاه باید در آن موقع بر حسب تقاضای دادرسی استان تبدیل به حبس مجرد نماید. در مورد تکرار و تعدد هم محققاً مجازات‌های حبس با اعمال شاقه از حداقل پایین تر نخواهد آمد که در اینگونه موارد هم حکم قضیه همانست که در ماده ۴۶ مذکور است، یعنی هنگام اجرا باید تقاضای تبدیل بشود، دادگاه هم طبق ماده ۴۶ و ماده ۴۸۴ عمل خواهد نمود.

موضوع دیگری که تذکار آن شاید بی‌فایده نباشد، توجه به نوع حبس با اعمال شاقه است. قانونگذار حبس با اعمال شاقه را فوق‌العاده مهم شمرده و دلیل آن هم یکی این است که بعد از اعدام این نوع حبس را مقرر داشته، دوم همین مقررات ماده ۴۶ است که اجرای حکم اعدام و حبس با اعمال شاقه را در باره مردان بیش از شصت سال جایز ندانسته، اعم از اینکه محکوم در زمان صدور بیش از شصت سال داشته یا هنگام ارتکاب عمل شصت ساله بوده باشد؛ بلکه

منحصر آنظر با اجرای مجازات است و اگر زندانهای ما از لحاظ اجرای مجازاتها
فرقی بین حبس تأدیبی و حبس مجرد - حبس مجرد بمعنای حبس انفرادی نیست
والا همین کلمه بکار می رفت، بلکه مقصود آنست که مجرد از تأدیب و مشقت باشد -
و حبس با اعمال شاقه قابل نشده اند، این امر دلیل آن نیست که ماده ۴۶ در باره
محکومین به حبس ابد که به شصت و یک سالگی می رسند، رعایت نشود و کماکان
حبس معمولی و خالی از مشقت در باره آنان ادامه یابد. شاید همین یکنواخت
بودن حبسها در هنگام اجرا سبب شده باشد که توجه کافی بماده ۴۶ نشده باشد
والا طبق ماده مزبور حبس با اعمال شاقه در باره مردان بیش از شصت سال نباید
اجرا شود، بعلاوه باید تبدیل بحبس مجرد گردد و این حکم ماده ۴۶ برای
محکومین بحبس ابد با اعمال شاقه جنبه حیاتی دارد، زیرا بعد از شصت سالگی
سر نوشت آنان باید باماده ۴۶ تعیین شود، نه ماده ای که هنگام حکم ملاک عمل
قرار گرفته است.

نکته دیگری که باز باید توجه بیشتری بآن بشود تا حکمت وضع ماده ۴۶
روشن گردد، نظر به مصداق واقعی و خارجی حبس با اعمال شاقه می باشد
که در نظر بسیاری حبس با اعمال شاقه بمعنای حبس با کار و یا حبس با کار اجباری
تعبیر شده است و حال آنکه کار طبعاً مفید و محترم است. و نباید تصور کرد که
اعمال شاقه یعنی حبس با کار و یا حبس با کار اجباری و اصولاً حبس با اعمال شاقه
مفهوم دیگری دارد که از جمله در قانون فرانسه عبارتست از بستن زنجیر بمرج
پای محکوم بحبس با اعمال شاقه و متصل کردن گلوله سربی سنگین بسر دیگر
زنجیر، بنحوی که زندانی هنگام حرکت با تحمل مشقت باید زنجیر و گلوله
متصل بآنها با خود بکشد که گاهی اوقات حتی زندانی برای بالا رفتن از پله
مجبور است، گلوله را بردارد، بدست بگیرد و حرکت کند. بنا بر این مصادیق
واقعی حبس با اعمال شاقه در نظر قانونگذاران ما نیز غیر از مصادیق حبس با
کار اجباری است و شاید همین عدم توجه بمعنای واقعی این نوع حبس سبب شده
که در ماده اصلاحی ۲۱۳ قانون مجازات عمومی حبس با کار اجباری تعیین شده

و حال آنکه در قانون مجازات عمومی هنگام تعیین نوع حبسها بهیچوجه اسمی از حبس با کار اجباری برده نشده . و بهر تقدیر بر فرض که در زندانهای ما حبس با اعمال شاقه بمعنای واقعی خود اجرا بشود یا نه، محکومین مشمول ماده ۴۶ حق دارند در همه حال، خواه در زمان صدور حکم شصت ساله بوده باشند یا حین اجرا بشصت سال تمام برسند، از این ماده استفاده نمایند و این ماده را روزنه امیدی برای ادامه حیات خود بدانند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی